

دو نفر بر سر جای پارک خودرو به خاطر رعایت نکردن حقوق یکدیگر با هم درگیر شدند و یکی از طرفین از ناحیه صورت زخمی شد. به گزارش خبرنگار ما،

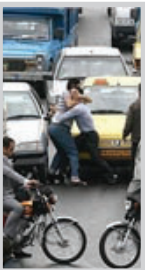
### نزاع بر سر پارک خودرو

#### عبرت

### دوستی خاله خرسه

پدر و مادرم به خیال خودشان فکر می کردند که با انجام دادن کارهای من در حق من لطف بزرگی می کنندو فکر نمی کردند با این کارشان تیشه به ریشه زندگی من می زنند و دوستی شان دوستی خاله خرسه است.
پسر جوان که دل پر دردی از خانواده اش دارد در رابطه با زندگی اش می گوید:
پسر بزرگ خانواده بودم و پدر و مادرم هر دو کارمند بودند و وضعیت اقتصادی نسبتا خوبی داشتیم. پدر و مادرم نسبت به من حساس بودند و از همان دوران کودکی اجازه انجام دادن کارهایم را به من نمی دادند و هر کاری که خودشان صلاح می دیدند انجام می دادند. هر چقدر بزرگتر می شدم پدر و مادرم بیشتر مرا کنترل می کردند و به خاطر این کارهای آن ها مدام پیش دوستان عذاب و خجالت می کشیدم. به قول خودشان با این کارهای شان به من لطف می کردند.
پادم می آید تا موقع ازدوامم برای خودم لباس یا چیز دیگری نگرفتم و برای خریدن هر چیزی می بایست حتما پدر یا مادرم حضور می داشتند. تصور می کردم بعد از ازدوامم آن ها دست از این کارها و دخالت های شان بر می دارند و اجازه می دهند خودم برای زندگی ام تصمیم بگیرم و آن گونه که دوست دارم زندگی کنم.
بالاخره موقع ازدوامم رسید و با یکی از دخترهای فامیل ازدواج کردم و فکر می کردم دوران نامزدی خوبی داشته باشم. اما از چیزی که می ترسیدم به سرم آمدو از همان روزهای اول نامزدی مان پدر و مادرم مدام در کارهای ما دخالت می کردند و برای ما تصمیم می گرفتند و حتی به جای من برای نامزدم با سلیقه خودشان کادو و لباس می خریدند. این موضوع باعث ناراحتی شدید نامزدم شده بود. نامزدم مدام به من اعتراض می کرد و می گفت دوست دارد کارهای او را من انجام دهم و تنهایی با هم بیرون برویم. اما افسوس که هر کجا که می خواستیم برویم پدر یا مادرم نیز با ما همراه می شدند و به قول خودشان می گفتند نباید دو جوان کم تجربه را تنها بیرون فرستاد.
بالاخره دوران نامزدی مان با ناراحتی و گلابه تمام شد و با گرفتن جشن عروسی زندگی مشترک مان را کنار خانواده خودم آغاز کردیم. دخالت های آن ها دوباره از همان روز اول شروع شد و ما حق انتخاب و انجام کارهای خودمان را بدون رضایت آن ها نداشتیم و این کار آن ها باعث دلخوری زیاد همسرم شد و مدام بر سر دخالت های آن ها با همسرم درگیر بودیم تا این که همسرم از دست کارهای خانواده ام طاقت نیاورد و با حالت قهر به خانه پدرش رفت و تهدید کرد تا زمانی که یک خانه مستقل تهیه نکنم هر گز به زندگی ام بر نمی گردد. بعد از این ماجرا لجبازی های دو خانواده بیشتر شد و پدر و مادرم نیز اجازه مستقل زندگی کردن را به من نمی دادند. هر چقدر تلاش کردم ذهنیت پدر و مادرم را عوض کنم که با این رفتارهای شان زندگی من را نابود می کنند موفق نشدم و آن ها هر روز مصمم تر به رفتارهای شان ادامه می دادند تا این که همسرم حاضر نشد در کنار من زندگی کند و درخواست طلاق داد و الان هم مدتی است که درگیر کارهای طلاق هستم و از این بابت ضربه روحی بزرگی خوردم.

یکی از طرفین نزاع درباره چگونگی وقوع این اتفاق گفت:
در یکی از خیابان های مرکز شهر به دنبال جای پارک می گشتم که متوجه شدم خودرویی قصد حرکت دارد.



نفر به سرعت از پشت سر بدون این که به من توجه کند خودروی خود را جای ماشین خارج شده پارک کرد. سریع از خودرو پیاده شدم و به او به خاطر توجه نکردن به انتظارم برای

پارک اعتراض کردم اما او حالت طلبکارها را به خودش گرفت و جواب سر بالا داد که در همین حین بحثمان بالا گرفت و با هم درگیر شدیم و بعد از چند دقیقه کشمکش مردم ما

را از هم جدا کردند. متأسفانه از ناحیه صورت زخمی شدم و من به خاطر این رفتار زشت او و همچنین زخمی کردنم قصد شکایت از ضارب را دارم.

#### خبر

**مدیر عامل انجمن حمایت از خانواده زندانیان استان خبر داد:**

### افزایش ۱۳ برابری خدمات برای حمایت از خانواده زندانیان

مدیر عامل انجمن حمایت از زندانیان خراسان شمالی در دیدار از تحریریه روزنامه خراسان شمالی از افزایش ۱۳ برابری ارائه خدمات برای حمایت از خانواده زندانیان طی ۲ سال گذشته خبر داد. «حمدی» در این دیدار با تقدیر از تلاش های خبرنگاران روزنامه خراسان شمالی این روزنامه را انعکاس دهنده مشکلات مردم دانست و از گزارش ها و گفت و گوهایی این روزنامه در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آمار زندانیان تقدیر کرد و گفت: هر فردی که وارد زندان می شود هر چند هدف از زندانی شدنش متنبه شدن اوست اما خانواده او اگر حمایت نشوند ممکن است دچار آسیب های اجتماعی شوند. وی با اشاره به فعالیت های انجمن حمایت از زندانیان اظهارداشت: این انجمن طی مدت ۲ سال گذشته موفق به افزایش چشمگیر و چند برابری ارائه خدمات منابع درآمدی برای حمایت از ۵۰۰ خانواده زندانیان زندان بجنورد شده است.وی توانمندسازی مددجویان را اولویت اصلی و مهم این انجمن دانست و افزود: به دلیل مشکلات تحصیلی، معیشتی و درمانی این خانواده ها، با توانمندسازی برای ایجاد اشتغال و درآمد آنان کمتر دچار آسیب های اجتماعی می شوند. وی حمایت های همه جانبه از خانواده زندانیان را امری ضروری دانست و گفت: از آن جایی که خانواده زندانی نقشی در ارتکاب جرم نداشته و مجرم نیز در حال مجازات اعمال و بزهکاری خود است، توجه به رفع نیاز خانواده زندانیان امری ضروری است. وی با موثر خواندن نقش حمایت های عاطفی، اجتماعی از خانواده زندانیان خاطر نشان کرد: همه حمایت های انجمن مادی نیست بلکه حمایت های غیرمادی و عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و ایجاد شغل نیز باید در دستور کار مددکاران انجمن حمایت از زندانیان باشد. وی افزود: انجمن حمایت از زندانیان در اجرای تکلیف دینی، اخلاقی و انسانی به وظیفه خود عمل می کند و در این راستا نه به میزان و حجم حمایت بلکه به ارزش معنوی کار توجه دارد و کار را برای رضای خدا انجام می دهد. وی خاطرنشان کرد: با وجود افزایش منابع درآمدی و خدماتی حمایت از خانواده زندانیان این انجمن هنوز با مشکلات زیادی برای حمایت لازم و کافی از این خانواده ها رو به رو است و این موضوع حمایت بیش از پیش مسئولان و خیران را می طلبد.



گفت و گو با مردی که مرگ را جلوی چشمانش دید

# شلیک کینه شتری



عکس:فرشید

از رسیدن به بیمارستان بی هوش شدم و دیگر چیزی نفهمیدم و بعد از به هوش آمدن متوجه شدم تحت عمل جراحی قرار گرفته ام و روی تخت بیمارستان هستم.

**بعد از این که تورا به بیمارستان رساندند ضارب چگونه دستگیر شد؟**

بعد از این که پسر من را به بیمارستان رساند پلیس را سریع در جریان گذاشت و بعد از چند ساعت، پلیس ضارب را که خودش را داخل روستا مخفی کرده بود دستگیر کرد و الان هم در زندان است.

**الان حالت چطور است و فکر می کردی زنده بمانی و آیا رضایت خواهی داد؟**

الان دوران نقاهتم را می گذرانم و خدا را شکر حالم روز به روز بهتر می شود و اصلا فکر نمی کردم با خونی که از من رفته بود زنده بمانم و به خاطر این کار ضارب فعلا قصد رضایت دادن ندارم. با کار او اگر من می مردم فرزندانم بی سرپرست می شدند.

قرار گرفت. وی افزود: پس از بررسی پرونده و احراز تخلف صورت گرفته، علاوه بر ضبط کالای مکشوفه متخلف به پرداخت ۶۰۰میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم و اعمال قانون شد.

اختلاف مان سر ارث بود. اقوامم مدعی هستند من ارث پدر شان را بالا کشیده

ام و باعث فقر و بیچارگی آنها شده ام و مدام من را تهدید می کردند. زیاد به

حرف های ضارب توجه نمی کردم و سر گرم کارهای خودم بودم. مدتی گذشت

تا این که یک روز غروب از داخل روستا با موتورسیکلت به خانه برگشتم و دیدم

در تریکی برادرزاده ام به سرعت از پشت سر به من نزدیک شد و هنگامی که وارد

حیاط خانه شدم بعد از شنیدن صدای تیر از روی موتور سیکلت به زمین افتادم

و سوزش شدیدی در ناحیه پهلویم احساس کردم. به خاطر تاریکی هوا متوجه

خونریزی پهلویم نشدم که در همین لحظه پسرم با شنیدن صدای تیر خودش را

به من رساند و من را از روی زمین بلند کرد. وقتی دستش به پهلویم خورد متوجه

خونریزی شدید من شد و تازه آن موقع بود که فهمیدم تیر خورده ام. پسرم به

سرعت من را سوار یک خودرو کرد و به بیمارستان رساند. تا رسیدن به بیمارستان

به هوش بودم و فقط سوزش شدیدی در پهلویم حس می کردم. کم کم احساس

ضعف کردم و چشمانم سیاهی رفت و فکر می کردم دیگر زنده نخواهم ماند. بعد

## به خاطر تاریکی

**هوا متوجه**

### خونریزی پهلویم

### نشدم که در همین

### لحظه پسرم با

**شنیدن صدای تیر**

### خودش را به من

**رساند**

# مجتمع اداری

o f f i c e   c o m p l e x

# فروش خاص

## به صورت یکجا و تک واحدی

## در بهترین نقطه از شهر (میدان شهید)

۱۵۴۶ ۱۸۶ ۰۹۱۵ – ۱۵۴۵ ۱۸۶ ۰۹۱۵

